

بسمه تعالی

«منش، اخلاق و سبک زندگی حرفه ای معلم به مناسبت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس و آغاز سال

تحصیلی ۱۳۹۹»

نویسنده: محمد بنائیان سفید (معلم بسیجی بازنشسته)

دانش آموخته دوره دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی

(۱) تحول و پیشرفت در آموزش و پرورش

- آموزش و پرورش نیازمند تحول است، توجه به جایگاه آموزش و پرورش و معیشت معلمان ضروری

است. برای رسیدن به تحول و پیشرفت، مسیر بودجه نیست بلکه استقرار نظام بهره‌وری و افزایش ظرفیت‌هاست. در حقیقت هر حرکت اصلاحی باید با توجه به اصول، مبانی و ارزش‌ها باشد. توجه و اعتقاد به اصول و ارزش‌های نظام یعنی اعتقاد به آزادی، استقلال، عزت و اقتدار کشور، مردم سالاری دینی، احترام به مردم که تبلور ارزش‌های فردی و ملی را به همراه خواهد داشت. و نیز بشریت و توسعه دستاورد دو گوهر علم و استقلال هستند.

البته تحول باید با دو هدف، ارتقای کیفیت و کاهش هزینه صورت بگیرد و مدیریت دانش‌بنیان و مبتنی بر علم باید در آموزش و پرورش نهادینه شود (اجلاس ۹۴ آموزش و پرورش، ابوترابی)

جایگاه معلم: معلم کارگزار اصلی تعلیم و تربیت و قلب تپنده نظام آموزش هر کشور است و نظام آموزش هیچ کشوری جز به دست توانمند معلمان علاقه‌مند آن کشور سامان نمی‌یابد. هر چه هرم ارتقاء دانش، توانایی، مهارت، صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصصی، اخلاق حرفه‌ای و تعلق سازمانی بالاتر باشد آن نظام تعلیم و تربیت موفق‌تر، پویاتر و مؤثرتر خواهد بود. آنچه که کودکان، نوجوانان در مدرسه کسب می‌کنند متأثر از خصوصیات، شایستگی‌های دینی، تربیتی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان است.

تحول نظام تعلیم و تربیت؛ تحول و دگرگونی در نظام حکومتی را در برخواهد داشت، چرا که دانش آموختگان همین مدارس هستند که کارگزاران خدوم و پرتلاش و سازنده آینده کشور خواهند بود. باید یک نوع تفکر سیستمی بین دو میز دانش‌آموزی با میز مدیریتی و کاری برحسب نیاز جامعه مورد توجه قرار گیرد.

امروزه سرمایه‌گذاری برای نظام تعلیم و تربیت هزینه بشمار نمی‌رود بلکه سرمایه‌گذاری برای بشریت و وصول به عدالت اجتماعی محسوب می‌گردد. در عصر معاصر با توجه به پیشرفت‌های محیرالعقول علم و فناوری هنوز هیچ چیز نتوانسته است جای معلم را پر کند و معلم به عنوان سرمایه‌های ملی هر کشور به شمار می‌رود که سرمایه‌گذاری در دانشگاه فرهنگیان و ارتقاء جایگاه منابع انسانی در همه کشورهای جهان نوعی سرمایه‌گذاری در پیشرفت و توسعه کشورها بحساب می‌آید که با توجه به جایگاه علم و عالم در قرآن و جایگاه ویژه معلمان در نظام تعلیم و تربیت در ایران اسلامی باید اهتمام مضاعفی را مصروف نمود.

معلم گرانگاه، شاه بیت و لب اللباب نظام تعلیم و تربیت است. بی توجهی به نقش ماندگار معلم یعنی ایجاد چالش در تحقق اهداف و از دست دادن هویت، ماهیت و فلسفه وجودی آموزش و پرورش است.

- اصول برنامه‌ریزی درسی در سه محور مطرح است:

- (۱) برنامه‌ریزی درسی آشکار؛ یعنی آنچه که در سیلابس‌ها و محتوای کتب درسی مطرح می‌شود.
 - (۲) برنامه‌ریزی درسی پنهان؛ یعنی رفتار، گفتار، نحوه تعامل، سبک زندگی معلم، دانش‌آموز و دست‌اندرکاران مدرسه که تأثیر زیادی در الگوپذیری دارد.
 - (۳) برنامه‌ریزی پوچ یا مغفول شده؛ یعنی آمادگی معلم و اشرافیت او بر مسائل تدریس که چنانچه مواردی می‌بایست در کتب درسی لحاظ می‌شد، اما نیامده است و یا مواردی که ضرورت نداشته است، در کتب درس بیان شده است را شناسایی، و علاوه بر اقدام پژوهی در کلاس درس به برنامه‌ریزان پیشنهاد نماید.
- علت عدم موفقیت در تغییر نظام آموزش بی توجهی به نقش محوری معلم بوده است. ما برای تحقق چشم انداز ۲۰ ساله نیاز به تحول عمیق در نظام آموزشی و تربیتی کشور داریم. معلم با پذیرش مسئولیت معلمی، ایمان را در لوح جان و ضمیرهای پاک متعلمین حک می‌کند و ندای فطرت را به گوش آنان می‌رساند که در چهارساحت:

- (۱) حقیقت‌جویی؛ که دانش و علم را تولید می‌کند.
 - (۲) نیکی‌طلبی؛ که اخلاق را بوجود می‌آورد.
 - (۳) زیبایی‌دوستی؛ که آفرینش و خلق هنر را در عرصه زندگی ایفا می‌کند.
 - (۴) عبادت که تبلوری از پرستش عبد به معبود را متجلی می‌سازد و ساحت خلاقیت که عملکرد نوآوری آن تولید علم و تبدیل علم به تولید و تبدیل ثروت و سپس منظومه‌ی چرخه اقتصاد شکل می‌پذیرد.
- امام خمینی^(ره)؛ نقش معلم در جامعه را نقش انبیاء، و انبیاء را معلم بشریت دانسته‌اند و فرمودند: «تمام ملت باید معلم باشند، فرزندان اسلام تمام افرادش باید معلم باشند و تمام افرادش متعلم.»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرمایند: دست توانای معلم است که چشم‌انداز آینده ما را ترسیم می‌کند.»

شهید مطهری (ره): معلم کسی است که نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون و ابتکار او را زنده نماید. و نیز خواست قلبی یک معلم این است که حیات بشر بر مدار ارزش‌ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا و مکتب و دین همه اساس انسان باشد، تا هیچ بیگانه‌ای مجال تجاوز به تمدن، دین، فرهنگ و میهن را پیدا نکند.

درک معلم از قداست و ارزش شغل خویش و تلاش برای صیانت از شغل معلمی می‌تواند جایگاه اجتماعی او را ارتقاء بخشد.

رتبه‌بندی نظام معلمان و تشکیل کمیسیون‌های شورای مشورتی در تدوین برنامه‌های درسی، دانشگاه فرهنگیان و تأیید صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان می‌تواند زمینه پیشرفت و توسعه کشور را فراهم نماید و از طریق ناظرین کیفی بر مدارس مسائل و مشکلات را بررسی، تجزیه و تحلیل، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نمایند. با استقرار نظام رتبه‌بندی معلمان کشور

می‌توان از شورای معلمان مدارس کشور، شوراهای منطقه، شهر و استان را تشکیل و با تشکیل شوراهای کشوری که با انتخاب یک یادو تن از شوراهای استانی کشور می‌باشند، بطور اصولی و منطقی از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل معلمان در حل معضلات و مشکلات معیشتی، رفاهی، برنامه‌ریزی آموزشی، فرهنگی و مدیریتی بویژه در مواقع ضروری اقدام نمود. برداشت از مقاله نظام معلمی؛ ضرورت امروز، نیاز فردا)

استفاده مستمر کارآمدی از صلاحیت‌های حرفه‌ای، انگیزه‌ها، خواسته‌ها و نیازهای اساسی قشر تأثیرگذار معلم و منابع انسانی آموزش و پرورش و باور مراجع قدرت و تصمیم‌گیران دولتی نسبت به اقدار معلمان در حل مسائل کشوری تواند ظرفیت بسیار اساسی در ارتقاء سطح علمی، رفاهی، معیشتی والگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و سبک زندگی باشد.

زمینه‌ی بازنگری در روش‌های تأمین، به کارگیری، نگهداری، حمایت و ارتقاء هرم تحصیلی معلمان با توجه به پیچیده- تر شدن جوامع بشری، گسترش اطلاعات و فناوریهای نوین، تعدد راه‌های سهل‌الوصول و سریع به دانش روز، تخصصی‌تر شدن مشاغل، حرفه و سبک زندگی حرفه‌ای و انطباق شغل با حرفه، مهارت، تجارب و اخلاق از ضروریات بازنگری بشمار می‌روند.

نیاز مؤسسات، مراکز سازمان‌ها به افراد ماهر و دارای تبحر و صلاحیت‌های حرفه‌ای قابل قبول و منطبق با شرایط اقتصادی جامعه باید در بازنگری مورد توجه قرار گیرد.

- نقش معلم در پرورش خلاقیت؛

خلاقیت و نوآوری محرک اصلی تمدن‌هاست، تلفن، اتومبیل، رادیو، رایانه، الکترونیک، قدرت اتمی، مسافرت‌های فضایی و خلق ادبیات و انواع هنرها و... ثمره‌ی ارزشمند از تفکر و ذهن خلاق بشر است بنابراین برای پیشرفت در همه عرصه- ها نیازمند تفکری خلاق و نوآور هستیم^۱. خلاقیتی که در ضمیر انسان‌ها بودیعه گذاشته شده و در نحوه سبک زندگی تأثیرگذار است.

- روانشناسان از زوایای گوناگونی به خلاقیت پرداخته‌اند و متفق القول نیستند در گذشته محور بحث "شخص خلاق یا فرآیند خلاق" بود اما امروزه علاوه بر نگاه فرآیند، تعریف از خلاقیت مبتنی بر ویژگی «مولد بودن» است.

مک کیتان در تعریف خلاقیت می‌نویسد «خلاقیت عبارت است از حل مسأله به نحوی که ماهیتی بدیع و نو داشته باشد.»

ویلیامز می‌نویسد: خلاقیت مهارتی است که می‌تواند اطلاعات پراکنده را به هم پیوند دهد، عوامل جدید اطلاعاتی را در شکل تازه‌ای ترکیب کند و تجارب گذشته را با اطلاعات جدید برای ایجاد پاسخ‌های منحصر به فرد و غیر متعارف مرتبط سازد^۲.

تحقیقات نشان می‌دهد؛ که خلاقیت را هم می‌توان آموزش و هم پرورش داد^۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده این مقاله با عنوان «مقایسه دو گروه دانش‌آموزان نظام قدیم (چهار متوسطه) با نظام جدید آموزشی (پیش دانشگاهی) در پیشرفت تحصیلی و رابطه پیشرفت تحصیلی با خلاقیت که از طریق آزمون تورنس و دکتر جمال عابدی انجام پذیرفت. هم

نشان از آموزش بودن خلاقیت و هم پرورش خلاقیت داشته که یافته‌های تحقیق نشان داده تفاوت معناداری بین نظام آموزش قدیم و جدید وجود داشته است که نظام جدید در خلاقیت و پرورش آن مؤثرتر بوده و بجای حافظه محوری، طرح مسأله محوری و ایجاد فرصت برای راه حل آن از سوی دانش‌آموزان با راهنمایی معلمان بوده است.

افرادی هم چون تورنس با تجارب طولانی در مطالعه و آموزش تفکر خلاق و "فلد هوسن و همکاران"؛ در پاسخ به این سؤال که «آیا می‌توان خلاقیت را آموزش داد؟ پاسخ مثبت است»^۴، همه انسان‌ها دارای خلاقیت هستند اما زمینه خلاقیت متفاوت است و معلمان عامل مؤثر در شکوفائی خلاقیت دانش‌آموزان یا از بین بردن آن هستند. بنابراین باید محیط و فضای مساعدی را برای رشد و پرورش قوه خلاقیت دانش‌آموزان فراهم آورد.

کارل راجرز: «خلاقیت را نمی‌توان با فشار ایجاد کرد، بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند، همانگونه که کشاورز نمی‌تواند جوانه را از دانه بیرون بکشد. اما می‌توان شرایط مناسبی برای دانه فراهم آورد. می‌توان با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت را افزایش داد.^۵

ویژگی‌های افراد خلاق:

ویژگی‌های افراد خلاق را روانشناسان مورد بررسی و مطالعه قرار دادند و در پژوهش‌هایی که توسط استیبر (۱۹۶۵)، بارون (۱۹۶۹) و بارباراکلارک (۱۹۷۹) صورت گرفت، عموماً از صفتهای ذیل برخوردارند

۱. دارای گنجایش ذهنی و فکری زیادی هستند (تیزهوش‌تر از دیگرانند) البته تفاوت‌های معناداری بین تیزهوشان و خلاق‌ها وجود دارد، زیرا افراد می‌توانند باهوش متوسط هم خلاق باشند اما داشتن صرف هوش بالا حتماً خلاق باشند، تأیید نمی‌شود.

۲. علاقه آنها به مسائل علمی، هنری، فرهنگی و اجتماعی بیشتر و دامنه اطلاعات وسیع تر است.

۳. درباره مسائل انتزائی، در مقایسه با مسائل عینی و ملموس، بهتر و عمیق‌تر می‌اندیشند.

۴. دوست دارند که در مباحثه عقیده خود را بیان دارند اما اصراری بر تحمیل عقیده ندارند.

۵. انعطاف‌پذیرند و بیان آنها دارای طنز است.

۶. علاقه به سؤال و پرسش دارند (روحیه پرسشگری) و بسیار کنجکاوند.

۷. محافظه‌کار نیستند و بیشتر ریسک‌پذیرند.

۸. علاقه‌های متنوع و فراوانی دارند و دارای فرآیندهای فکری غیر متعارف هستند.

۹. در فکر و عمل از اصالت و نوآوری بیشتری برخوردارند.

۱۰. دارای زندگی تخیلی بوده و درگیری بیشتری با رؤیاهای خیالی دارند.

۱۱. استقلال طلب بوده و دوست ندارند از راه و روش زندگی دیگران پیروی کنند.

۱۲. اعتماد به نفس خوبی دارند و در مقابل شکست و ناکامی‌ها کمتر دلسرد و مأیوس می‌شوند

۱۳. در معیارها، رسوم و ارزش‌های اجتماعی بیشتر متکی به قضاوت شخص خویش هستند.

۱۴. در رابطه با دیگران رک، صریح و درست کار می‌کنند.

۱۵. به مسائل فلسفی همچون مذهب، ارزش‌ها، معنی زندگی و سبک زندگی و از این قبیل امور توجه می‌کنند.
۱۶. بر غرایز خود تسلط بیشتری دارند، شخصیت رشد یافته‌تری دارند و کمتر دارای اختلال روحی و روانی می‌شوند.
۱۷. دارای حافظه‌ای قوی بوده و به جزئیات مسائل توجه دقیق دارند، توانایی انجام کار و کارهای پیچیده را نیز دارند. (برداشت از مقاله محمدرضا مطهری)

- معلم و شیوه‌های پرورش تفکر خلاق:

۱. به عبارتی تعلیم و تربیت باید رشد قوه‌ی صحیح قضاوت را ایجاد و تقلید کورکورانه از تمایلات و عاداتی که سبب رکود فکری و موجب عجز در حل مسائل و مشکلات می‌شود پرهیز نمایند. که در قرآن هم پیروی از آنچه که انسان به آن آگاهی ندارد پرهیز شده است. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...»
۲. اجازه آزادی در طرح مسائل و راههای حل آن توسط خود دانش‌آموز یعنی پرورش روحیه پرسشگری و مسأله محوری در دانش‌آموزان.
۳. اجازه قدرت نقد و بررسی نظرات در موضوعات اقدام پژوهی در کلاس درس [اسبورن (۱۳۷۵)]
۴. اجرای طرح «بارش فکری» (Brain storming) و نوشتن تنوع و فراوانی آن در تخته کلاس و اجازه نقد و بررسی ایده‌ها که همان ایده‌یابی و کلاس هم به عنوان محلی برای ایده‌یابی است. (اسبورن ۱۳۷۵)
۵. برنامه درسی به سه صورت می‌باشد: ۱) برنامه درسی آشکار که اصولاً در متون درس تدوین می‌شود. ۲) برنامه درسی پنهان که همان رفتار، گفتار، شیوه، تعامل، پوشش و... بین معلم و دانش‌آموزان که الگوپذیری دانش‌آموزان از معلمان در این شرایط سنی زیاد است و باید عرصه را برای اظهار اندیشه و فکر دانش‌آموزان فراهم نمود. ۳) برنامه درسی مغفول شده یا پوچ؛ مسائلی که مورد نیاز دانش‌آموز و جامعه می‌باشد اما در برنامه درسی آشکار بیان نشده و معلم با اشرافیت بر نیازهای جامعه و پدیده‌ها و ابداعات نوین می‌تواند آنها را در کلاس درس مطرح نماید که اطلاعات دانش‌آموزان به روز باشد. ۴) یکی از روش‌های ایجاد پرورش خلاقیت، روش‌های تدریس پژوهش محور است که امکان مطالعه‌ی جنبی و نظریات افراد صاحب نظر را برای شناخت و نقد آن فراهم می‌آورد. ۵) استفاده از تکنولوژی در فرآیند تدریس که می‌تواند از همه حواس انسان و متمرکز نمودن آن استفاده نمود، که این مهم در پرورش خلاقیت مؤثر است. خلاقیت یعنی تخیل ذهنی و وقتی آن را در عرصه عمل بکار بگیریم می‌شود نوآوری و خلاقیت هم از اطلاعات و دانش متأثر است که برای حل مشکلات و مسائل می‌تواند راه‌های جدیدی را خلق نمایند.
۶. تلاش در جهت تبدیل عقل به تعقل و فکر به تفکر و بویژه توسعه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان بگونه‌ای که امنیت روانی را برای دانش‌آموزان ایجاد نماید، که طرح اختلاف با تفکر معلم مشکلاتی ایجاد نمی‌کند (رفع نگرانی در اظهار عقیده و فکر). اینکه انسان‌های بزرگ و نویسندگان بنام، شعرا، سیاستمداران و عالمان علم دین از اول خلاق نبودند بلکه با تلاش، پشتکار و پرورش این قوه توانسته‌اند ابتکارات، نوآوری و آفریندگی داشته باشند و از این طریق انگیزه و امید را تقویت نمایند.
۷. باید به کودکان عملاً نشان داد که عقاید آنان مورد احترام است.

۸. اندیشه‌های غیر معقول برای مسائل را، باید با احترام تلقی کرد و بدون سرزنش، راهنمایی لازم انجام پذیرد و آن هم پاسخ صحیح بطور غیر مستقیم توسط خود دانش‌آموز بیان شود.
۹. فرصت دادن به دانش‌آموزان تا بطور مستقل یاد بگیرند، آزادانه فکر کنند و به اکتشافات بپردازند.
۱۰. هنر پرسش اینکه اطلاعات کمی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم و بیشتر دقت معلم صرف سؤال و پرسش با دانش‌آموزان و بکارگیری همه دانش‌آموزان در تعامل و تدریس باشد. (سیلورسن، ۱۹۸۰).

- شیوه‌های پرسش خلاق:

۱. بکارگیری قوه تخیل: یعنی کار را به خود دانش‌آموز سپردن و سپس بصورت سؤال روش‌های مطلوب را مطرح کردن. مثلاً در ساخت یک شیء بوسیله (الگو) بگوئیم، آیا اگر اینطوری درست می‌شد بهتر نبود؟ و...
۲. طرح سئوالات انشعاب‌پذیر: مثلاً طرح سؤال از آب که موارد استفاده، چه چیزی شناور چه چیزی در آب فرو می‌رود و چراهای دیگر.
۳. دادن سئوالات تکمیل شونده توسط خود دانش‌آموز مثلاً چه اتفاقی می‌افتد اگر همه سبزیجات طعم شکلات داشتند؟ و...
۴. استفاده یک شیء برای چند هدف یا چند طریق مختلف مثلاً به چند روش از یک کارد آشپزخانه می‌توان استفاده نمود با دکمه یا قاشق و...
۵. سئوالات مختلف، مثلاً شما اولین فردی هستید که با یک فضاپرواز یا رئیس‌جمهور و یا... ظرف سه دقیقه فرصت دارید که از او سؤال کنید. چه سئوالاتی مطرح می‌کنید؟ آن را بنویسید و چرایی، همین سئوالات را توضیح دهید.

جایگاه معلم از منظر مقام معظم رهبری

- احترام به استاد احترام به علم است.
- امروز همه باید تکریم به معلمان را، در فضای فرهنگی جامعه و در ذهن مردم بیش از پیش تشدید کنند.
- این معلمان چقدر عزیزند! این شغل معلمی چقدر ارزشمند است! این مرتبه تعلیم و تربیت چقدر والا و بلند است، که همه انسان‌های فرزانه، انسان‌های بزرگ و برجسته، هر جایی که باشند، خود را پرورده‌ی دست معلم می‌دانند و سایه‌ی معلم را بر سر خودشان حس می‌کنند!
- شما معلمان و مربیان نسل جوان هستید که فردا را می‌سازید و استکبار جهانی را مأیوس می‌کنید و نقطه امید روشن را در دل مستضعفان عالم زنده نگه می‌دارید.
- معلم با آموختن به یک انسان، کلید بهره‌برداری از گنجینه‌ی تمام نشدنی را به او می‌دهد.
- معلم متحول کننده‌ی جان لایعلم انسان‌ها به روان عالم است.
- نقش معلم و مربی در جامعه‌ی ما، نقش تراز اول است.
- در منطق اسلام، مسئله تعلیم و تربیت، به معنای زندگی بخشیدن به فرد و جامعه است؛ اما در نگاه تمدن مادی، معیار ارزش‌گذاری معلم؛ قابلیت تبدیل فعالیت‌های او به پول است.

- منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری
- استاد مطهری: معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون شود، باید قوه ابتکار او را زنده کند؛ (کار معلم آتش‌گیره دادن است برای مشتعل کردن درون انسان) (۹۱/۲/۱۲) گل افسان، گل محمدی)
- خداوند متعال نسبت به شأن و مقام عالم و تعلیم عنایت خاصی مبذول داشته و آنان را بر سایر طبقات ممتاز ساخته است.
- **علی** (علیه السلام): به احترام پدر و معلمت از جای برخیز، هر چند فرمانروا باشی. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۳۵)

جایگاه و منزلت معلم در قرآن:

- منش، اخلاق و سبک زندگی حرفه‌ای «اثر، در ذهن آموزش و اثر، در شخصیت تربیت است. تفاوت تبلیغ، تعلیم و تحقیق از دیگاه حضرت آیه ... جوادی آملی و اینکه تحقیق برای اساتید است، آموزش، تبلیغ، تعلیم و تحقیق با اندیشه می‌شود اما پرورش اندیشه را به انگیزه تبدیل می‌کند تا به عمل برسد. سیطره فعالیت اندیشه و انگیزه در فرد و جامعه است، رهبر کارها، انگیزه است نه اندیشه، اندیشه آن سواد خام را به انگیزه می‌رساند، انگیزه به بخش جزم برمی‌گردد و انگیزه به بخش عزم، آنجا که سخن از اراده، محبت، نیت، خلوص و مانند آن است، آن را عقل عملی به عهده می‌گیرد، عهده دارش انگیزه است و آنجا که سخن از حس، تجربه، خیال، وهم و استدلال است آن را اندیشه به عهده می‌گیرد، جامعه به همان اندازه که به اندیشه و علم نیاز دارد به انگیزه و عقل عملی هم نیازمند است، بلکه بیشتر» با توجه به بیانات معظم له در منش و اخلاق معلم باید عشق و انگیزه نسبت به حرفه‌ی خود داشته باشد تا بتواند اندیشه‌ها را به منصفی عمل گذارد، معنی منش در لغت دهخدا: منش (خوی و طبیعت، خوی، طبع و طبیعت و خصلت، نهاد و سرشت (ناظم الاطبا) منش یعنی: فطرت، طینت، جبلت و عادت (یادداشت مرحوم دهخدا)
- منش‌ها نظام خلق و خوهای پایدار و قابل جابجائی هستند، ساختارهای ساخت یافته‌ای که می‌تواند نقش ساخت دهند را ایفا نماید.

بوردیو: سازوکار درونی را منش (عادت واره) می‌نامند که ذائقه مصرف کننده مانند مصرف موسیقی، نمایش‌های تلویزیونی و... که صرفاً یک انتخاب شخصی نیست بلکه ترجیحاً براساس موقعیت اجتماعی ساخته می‌شود و شکل می‌گیرد. (مک کی، ۱۹۹۷: ۳۴۰).

- منش یک اصل راهبردی و مولد است که عاملان و کارگزاران را به کنار آمدن با وضعیت‌های غیره منتظره و دائماً در حال تغییر، قادر می‌سازد (بوردیو، ۱۹۷۷ به نقل از لافی، ۲۰۰۷: ۱۸۷).
- از نگاه مقام معظم رهبری: راه‌های برتری منش اسلامی:

۱. دلبستگی به ارزش‌های اسلامی
۲. ساده زیستی و مردمی بودن

۳. کار و تلاش شجاعانه

۴. داشتن اعتماد به نفس

۵. داشتن نوآوری و ابتکار در عمل

۶. خدمت دلسوزانه به مردم

البته معظم له وقتی در پیام نوروزی خود از امام خمینی^(ع) یاد می‌کنند، ضمن معرفی منطق خردمندانه و اسلامی بنیان گذار انقلاب اسلامی، دال‌های برترین منش را اینگونه معرفی می‌کنند:

۱. تعبد و ایمان حقیقی به دین؛

۲. روحیات و خصلت‌های والای انسانی؛

۳. اراده و تصمیم‌قوی و قاطع؛

۴. اراده و تدبیر؛ (که این همان انگیزه‌هایی می‌باشد که در عقل عملی تبلور پیدا می‌کند و نشان از عزم والای معمار کبیر انقلاب اسلامی دارد).

مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت عبارتند از:

۱. در هم تنیدگی نفس و بدن یعنی روح و جسم که حقیقت انسان، همان روح انسان می‌باشد.

۲. فطرت که عنصر لایتغیر و برگرفته از فطرت الهی می‌باشد که در ۵ ساحت و ابعاد بروز پیدا می‌کند:

(۱) حقیقت جویی، که علم را تولید می‌کند.

(۲) زیبایی دوستی، که هنر را می‌آفریند.

(۳) نیکی طلبی، که اخلاق را متبلور می‌کند.

(۴) عبادت، که مفهوم و معنی پرستش را به صورت فعلی بیان می‌کند.

(۵) خلاقیت و نوآوری، که استعدادهای خدا دادی را شکوفا می‌نماید.

۳. عقل؛ که قوه‌ی ممیزه بین انسان و حیوان و مسئولیت‌پذیری، پاسخگوئی، اختیار، آزادی و انتخاب برای انسان شکل می‌گیرد و درمنصه‌ی عمل باید تبدیل به عقلانیت، تفکروتامل شود.

۴. اراده و اختیار؛ که انسان می‌تواند استقلال داشته و از اراده و اختیار برخوردار می‌باشد. البته اراده و اختیار انسان در طول اراده خداوند است نه در عرض آن و بکارگیری اراده و اختیار یعنی استفاده درست از عقلانیت و تفکر.

۵. هویت جمعی؛ هویت جمعی همان باورها، منش‌ها و اصالت‌های اجتماعی است که به صورت فرهنگ بروز و ظهور می‌یابد که در معرفی یک گروه، حزب و ملیت نقش مؤثری دارد که شخصیت واقعی از آن جامعه بشری است.

۶. محدودیت‌ها: یعنی ایجاد ضوابط و قوانین و شناخت مرزها که زمینه‌ساز شکست‌ناپذیری ایجاد نشود و وقتی بحث قانون مطرح می‌شود یعنی محدودیت‌هایی که باید از نظر اخلاقی و رعایت، هنجار برای عدم تضییع حقوق آحاد جامعه شکل می‌گیرد و همه آحاد جامعه ملزم به رعایت آن می‌باشند. محدودیت‌ها انواع مختلفی دارد جنبه‌های گذرا یا پایدار، بالقوه یا بالفعل و توصیفی از ویژگی‌های متفاوت را در اختیار می‌نهد.

اصول انسان شناختی تعلیم و تربیت:

- (۱) تغییر ظاهر و تحول باطن؛ البته هر چند رفتارهای ما از باورها و انگیزه‌های درونی شکل می‌گیرد باید ظواهر خود را در شغل‌های حرفه‌ای با باطن همسو کنیم، بویژه در کسوت معلمی که اگر جز این باشد مظاهر نفاق است.
- (۲) احیای پیوند قدسی؛ که در فرهنگ اسلامی «تذکر» نام گرفته است و نشان از معرفت و احساس عمیق درون نسبت به مبدا قدسی جهان وجود دارد که اصل یا قاعده «احیای پیوند قدسی» است.
- (۳) عقل ورزی؛ یعنی هماهنگی نظریه (اندیشه) با عمل در دریافت‌های موقعیتی و فراتاریخی.
- (۴) اصل مسئولیت؛ که ناظر به مبنای اراده و اختیار است. احساس مسئولیت و پاسخگویی نسبت به چرائی عمل.
- (۵) تعامل مؤثر اجتماعی؛ یعنی فرد براساس نوع روابط اجتماعی و دادوستد با دیگران هویتی متناسب با آن خواهد داشت.
- (۶) تناسب تکلیف با ظرفیت؛ که یکی از ویژگی‌های محدودیت‌های آدمی همین تناسب تکلیف با ظرفیت است که برای تقویت و تسهیل تعلیم و تربیت در نظر گرفته شده است نه برای نفی و نقض آن (باقری، خسرو، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، صص ۱۵۰-۱۶۵)
- دیدگاه معرفتی علی (علیه السلام) از عقلانیت: انسان بعقله؛ انسان به عقل خود انسان است «اصل الانسان لبه؛ اصل انسان خرد اوست.»

در فلسفه و کلام برای عقل دو اصطلاح کلی قابل تشخیص است:

۱. عقل موجودی است که ذاتاً و فعلاً مجرد بوده و بطور مستقل بدون تعلق به نفس و بدن، موجود است. "ایشانند که خداوند هدایتشان کرده و ایشانند صاحبان عقل (زمر ۱۸)" که به سه قسم: (۱) عقلانیت ابزاری (معیشتی)، (۲) عقلانیت ممیزه، (۳) عقلانیت دینی (قدسی) تقسیم می‌شوند.
- تعریف عقل عملی از نگاه علی (علیه السلام): معنای مشهور عقل عملی، قوه‌ای است که بواسطه آن، چیزی را که آدمی سزاوار است آن را انجام دهد یا ترک کند می‌شناسد. (ر. ک: فارابی، ابونصر، فصول منتزعه، ص ۵۴) و معنای غیر مشهور عقل عملی، قوه‌ای است که انسان را به اعمال خویش تحریک می‌کند، عقل به این معنا همان قوه‌ی محرکه یا قوه‌ی عامله یا قوه اراده است، (ر. ک: قطب‌الدین رازی، حاشیه‌الاشارات و التنبيهات، ج ۲، صص ۳۵۲-۳۵۳)

- رابطه بین عقل و اخلاق از منظر علی (علیه السلام): اصلی‌ترین معیار یک معلم متخلق به اخلاق بودن است و اخلاق هم اساس قانون را تشکیل می‌دهد هر قانونی اگر منبعث از اخلاق نباشد پایدار نخواهد بود.

- رابطه بین عقل و اخلاق از نگاه علی (ع): رابطه میان عقل و اخلاق، از مباحث مهم عقل‌شناسی و نیز علم اخلاق است. اکثر احادیث نقل شده از آن حضرت در زمینه عقل، به عمل و اخلاق مربوط می‌شوند. مباحث کارکرد عملی عقل و اطلاعات عقل عملی به رابطه میان عقل و اخلاق مربوط می‌شود و اینکه دیدگاه امام (ع)، آدمی قادر است خوب و بد اعمال را تشخیص دهد و آدمی را به انجام برخی امور و ترک برخی دیگر بخواند. از جمله مباحث مهم و تاثیر عقل و اخلاق بر یکدیگر هستند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با شهوت مبارزه کن، و

بر خشم پیروز شو، و با عادات زشتت مخالفت کن، تا نفست پرورش یابد و عقلت کامل شود: (الآمدی، عبدالواحد، غررالحکم، صفحه ۴۷۶).

عقل از دیدگاه قرآن

– «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک، ۱۰)

– الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر، ۱۸)

– «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سَبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ... فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ

مِنْكُمْ مَّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى (آل عمران، ۱۹۸)

جایگاه عقل در ذات انسانی

از جمله مباحثی که بیانگر اهمیت عقل است، شأن و منزلت عقل در انسان است. چنان که خواهیم دید از نگاه امام علی علیه السلام عقل مهم‌ترین نعمتی است که خداوند به انسان ارزانی داشته است، و همین موهبت الهی، وجه تمایز انسان از چارپایان است.

از مترادفات عقل، «لب» است که در قرآن به صورت جمع: اولوالالباب (صاحبان خرد) بکار رفته است. لب در لغت به معنای مغز و اصل و ناب چیزی است؛ چنان که به مغز گردو «لب الجوز» گفته می‌شود. از آن جا که عقل، اصل انسان است و انسانیت انسان به عقل او است، به عقل، لب نیز گفته می‌شود.

عقل در مقابل شهوت، هوای نفس و جهل

امام علی علیه السلام عقل را در مقابل شهوت قرار داده و انسان را موجودی مرکب از عقل و شهوت شناسانده‌اند. آن امام گرامی، به این تقابل به گونه‌های دیگری نیز اشاره فرموده‌اند. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هر گاه عقل کامل شود، شهوت ناقص می‌گردد. هر که عقلش کامل شود، شهوت‌ها را سبک می‌شمارد آن که بر شهوتش غالب شود، عقلش آشکار می‌گردد. همنشین شهوت، روحش بیمار و عقلش معیوب است. و بالاخره حضرت در سخنی رسا می‌فرمایند: عقل و شهوت ضد یکدیگرند. و تأییدکننده عقل، علم است و تزیین‌کننده شهوت، هوای نفس است، و نفس در میان این

دو مورد تنازع است: هر یک پیروز شود، نفس در طرف او قرار می‌گیرد.

عقلانیت مدرن و عقلانیت از دیدگاه امام علی علیه السلام

عقل از دیدگاه امام علی علیه السلام در مقابل شهوت و هوای نفس قرار می‌گیرد و احکام و لوازم عقل و شهوت، احکامی متعارضند و آدمی از هر دو نیرو بهره‌مند است و با اراده آزاد خویش یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد.

در تفسیری دیگر از عقل، عقل نه در عرض شهوت و میل، بلکه در طول و خدمتگزار شهوت است. این تفسیر، تفسیر دیوید هیوم از عقل است. این رأی در بسیاری از مکاتب فلسفی و اخلاقی و جامعه‌شناختی غرب مؤثر بوده است و عقلی که امروزه تجددگرایان (مدرنیست‌ها) مطرح می‌کنند و ماکس وبر در جامعه‌شناسی، آن را عقل ابزاری نامیده است، ریشه در همین رأی هیوم دارد.

هیوم از کارکرد معرفتی عقل و کشف از واقع را انکار می‌کند. همچنین او کارکرد اخلاقی و عملی عقل یعنی درک حسن و قبح و باید و نباید و تعیین اهداف زندگی را از شرح وظایف عقل حذف می‌کند. او به جای نقش نخست عقل، تجربه حسی را قرار می‌دهد، و عواطف و انفعالات، شامل شهوت، هوای نفس، عشق، خشم و غضب را جایگزین نقش دوم عقل می‌سازد. بدین سان عقل نه توان کشف واقعیت را در بعد نظری دارد و نه توان درک خوب و بد و تعیین اهداف زندگی اخلاقی را در بعد عملی.

سه هدف بزرگ از بعثت پیامبران: ۱- آگاه ساختن انسان از نشانه‌های الهی ۲- تزکیه آنها ۳- علم آموزی که جزء برترین اهداف تربیت اسلامی است. (مکارم شیرازی ۱۳۴۷). مرحله اول رشد گیرنده‌های حسی (دیدن و شنیدن) که بتواند به تفکر و تأمل درست به عالم برسد. در مرحله بعد کودک پا می‌گیرد که از انجام رفتارهای غیر اخلاقی و غیر انسانی بپرهیزد و فضائل و کمالات انسانی را در خود رشد دهد و مرحله سوم و آخرین مرحله کودک شروع به علم آموزی می‌کند تا بیشتر از پیش به سوی کمال برود و در تربیت اسلامی به جنبه دینی هم توجه شده که یک بعد از تربیت جامع اسلامی است که شامل پرورش جسم، روح، فرد، جمع، دنیا و آخرت می‌شود. (احمدی ۱۳۶۴)

شاخصه‌های برتری رسول اکرم بر پیامبران (آیت الله جوادی آملی، کتاب سیره ی رسول اکرم در قرآن، جلد دوم صفحه ۲۱ تا ۶۴)

۱- بشارت حضرت عیسی (و مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمہ احمد) (صف، ۶)

۲- هیمنه قرآن بر کتب انبیاء پیشین. کتب انبیاء زیر هیمنه و سیطره و نفوذ قرآن کریم حفظ می‌شود.

۳- خاتمیت رسول اکرم (ص): مزایای خاتمیت رسول اکرم در قرآن (محمد (ص) پدر هیچیک از شما مردان و زنان نبوده، ولی رسول خدا و خاتم پیامبران است). (احزاب، ۴۰)

۴- عبودیت رسول اکرم (ص): یعنی انسانها تحت تدبیر اسماء جزئیة حقند مثلاً (عبدالرزاق، عبدالقازی، عبدالکریم و...) اما پیامبر «عبده» و پروردگار مدبر و مربی شخصی وی است که نهانی ترین مرتبه را داراست.

۵- کلام و سکوت آن حضرت، مظهر کلام و سکوت خداست. (هرچه می‌گوید وحی است.) و اگر چیزی وحی نبود «هواست» و هوا به باطل و وحی به حق منتهی می‌شود.

۶- پیامبر (ص)، قرآن ممثل: از برجسته ترین مزایای علمی رسول خدا آنکه خدا قرآن را به او آموخته و حقیقت آن را در قلب مطهر او القاء کرده پس زمانی می توانیم سیره علمی پیامبر را ارزیابی کنیم که قرآن را بشناسیم و هر پیامبری به اندازه کتابش مردم را به حق دعوت می کند.

۷- تجلیل خداوند در خطاب به پیامبر (ص): همه پیامبران را با اسم نام می برد اما پیامبر (ص) را با یا ایها النبی، یا ایها الرسول، یا ایها المدثر، یا ایها المزمّل و ... که در مورد آخری شرایط خاص بوده است. حتی صدا کردن پیامبر (نور، ۶۳)

۸- عظمت در اخلاق «و انک لعلی خلق عظیم» (قلم، ۴) که خداوند با عظمت یاد می کند و حال آنکه صفات ضعف و قلت را برای کید شیطان و سراسر دنیا نام می برد «متاع الدنیا قلیل» (نساء، ۷۷) «ان کید الشیطان کان ضعیفا» (نساء، ۷۶)

۹- رسالت پیامبر برای همه انسانها تا روز قیامت است. خداوند پیامبر را شخصیت جهانی دانسته و درباره قلم و رسالت او می فرماید: «ما تو را برای جهانیان فرستادیم اما بر مؤمنان منت نهادیم... و قرآن کتابی جهانی است نشانه های هدایت فرق میان حق و باطل (بقره، ۱۸۵) ذلک کتاب لا ریب فیه هدی للمتقین (بقره، ۳) «تو پیامبری جهانی هستی و ما تو را جز برای مردم نفرستادیم» (سباء، ۲۸) لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم (آل عمران، ۱۶۴). صفت نعمت سنگینی و بزرگی که تحمل آن آسان نیست.

۱۰- رافت و رحمت رسول اکرم (ص): خداوند در مورد برخی پیامبران تعبیر برادر ذکر فرمودند مانند «برای قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم» (اعراف، ۷۳) «برای قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم» (هود، ۵۰) «آن هنگام که برادرشان نوح آنها را گفت» (شعراء، ۱۰۶) ولی برای پیامبر (ص) تعبیر برادر نیامده بلکه می فرماید «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت» (جمعه، ۲) یا «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیزعلیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم» (توبه، ۱۲۸)

اخلاق از منظر علم:

معرفتی است که افعال اختیاری انسان براساس یک سیر عقلانی شکل می گیرد. (مظاهری، ۱۳۸۲)

اخلاق از منظر دین:

چنانچه خلق و خوی با ارزش های والای نفسانی و اسلامی منطبق باشد، فضیلت و اگر در تقابل با آن قرار گیرد، رذیلت نامیده می شود. (احمدی، ۱۳۸۷)

اخلاق هنجاری:

دارای یک رویکرد عملگرا است که به تدوین استانداردهای اخلاقی منجر می گردد که رفتارهای درست و نادرست را نظم می بخشد. این نوع اخلاق به روشن ساختن عادات خوبی که ما باید کسب نماییم، وظایفی که باید انجام دهیم و یا بررسی آثار و تبعات رفتار ما بر دیگران می پردازد.

معنی حرفه چیست و حرفه ای چه کسی است؟

حرفه کاربردهای فراوان دارد و عامه آن به معنا پیشه، شغل و کسب و کار است. (دهخدا)

حرفه ای کسی است که توانمندی خود را در پایبندی به قانون و نظام مندی حرفه ای می داند، می سازد، تقویت می کند و حفظ می نماید او خودشناسی، یا خودسازی و خودباوری را لازمه حرفه ای شدن و حرفه ای ماندن می داند و به محیط حرفه ای احترام می گذارد. (فرامکی، ۱۳۸۹)

نتیجه گیری: باتوجه به مباحث مطروحه، جایگاه معلم از نظر منش، اخلاق و سبک زندگی حرفه ای بسیار مهم، سرنوشت ساز و توأم با اندیشه، انگیزه و درونی نمودن خلیات و باورهای ایمانی، اعتقادی، ارزشی و خودسازی مستمر در وصول به کمال انسانی و قرب الهی بوده و هست، تابتوانند حق و تکلیف و حیات طیبه را به عنوان رسالت انبیاء با شکوفا نمودن عقلانیت، و استعدادهای ذاتی متربیان، در مسیر اهداف غایی و سرمنزل مقصود آینده سازان جامعه را به صورت پایدار رهنمون نمایند.

منابع؛

Guilford J. intelligence, grativity and their educational implications Sanplego. Robert Rknopp, ۱۹۶۸

۱. منیژه شهنی ییلاق، روانشناس برای آموزش. ص ۳۶۰
۲. جمال عابدی «خلاقیت و شیوه ایجاد نودراندازه گیری آن، مجله پژوهش های روان شناختی (دوازدهم، شماره ۱ و ۲ تابستان ۷۲)
۳. رشد تکنولوژی آموزشی، مهر ۱۳۷۴، رشد خلاقیت.
۴. کارل راجرز، درآمدی بر انسان شدن، ترجمه قاسم قاضی، ص ۱۴۵
۵. علی اکبر سیف، روانشناسی پرورش، ص ۳۴۲